

فصلنامه علمی - تخصصی معارف علوم انسانی و علوم اسلامی

شماره هشتم، بهار ۱۴۰۱، ص ۸۴-۹۴

جایگاه احترام شاگرد نسبت به معلم در نظام تربیتی اسلام

صنم رمون^۱

نرگس حیدری^۲

عزیز عبادی^۳

الهه قایدی^۴

چکیده

در اسلام جایگاه والایی برای معلم ترسیم شده است به گونه ای که معلمی شغل انبیاء معرفی شده است. احترام به معلم در عرض احترام به پدر و مادر مورد تاکید دین اسلام است. در مقاله حاضر به دنبال آن هستیم که ببینیم محدوده احترام به معلم از ناحیه شاگرد تا کجا و چه میزان است، معلم می تواند در سعادت یا شقاوت شاگرد خود موثر باشد، معلم متدین و آراسته به مکارم اخلاق می تواند انسان سازی کند. بنابراین مهمترین و پرارزش ترین آداب و وظائف متعلم درباره استاد، این است که باید او - پیش از هر چیز - درباره کسی که در محضر او تلمذ میکنند، و حسن خلق و آداب و آئین های رفتار خود را تحت رهبری او فراهم می کند، مطالعه و بررسی نماید؛ زیرا اگر ما در نظر گیریم که استاد می خواهد شاگرد خود را تربیت کند، و آرایش ها و خوی های پست، و ریشه های رذائل اخلاقی را از دل و جان او بزدايد و بر کند، و اخلاقی نیک و فضائل اخلاقی را جایگزین آن ها سازد. هدف از این پژوهش بیان جایگاه احترام شاگرد نسبت به استاد و معلم خود در نظام تربیتی اسلام است. روش تحقیق این پژوهش تحلیلی - توصیفی و گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای می باشد. نتیجه: وظیفه شاگرد نسبت به معلم این است که به او احترام گذارد، با دقت به سخنانش گوش بسپارد، رویت به او باشد و به او توجه نماید، صدایش را بر صدای او بلندتر نکند، هرگاه کسی از او سؤال کند صبر کند تا خود او (استاد) جواب سوال کننده را بدهد، در محضر او با کسی سخن نگوید، در حضور او از کسی غیبت نکند، اگر پیشش از او (معلم) بدگویی شود، از وی دفاع کند. عیبهایش را بپوشاند، خوبیها و صفات نیکش را آشکار سازد، با دشمن او همنشینی نکند و با دوستش دشمنی نرزد.

واژگان کلیدی: احترام، شاگرد، معلم، نظام تربیتی، اسلام.

^۱ طلبه سطح سه حوزه علمیه قم، رشته تفسیر و علوم قرآنی، معاون اداری مالی مدرسه علمیه حضرت زینب سلام الله علیها، آدرس ایمیل:

sanamramoon@gmail.com

^۲ دانشجوی ارشد علوم قرآنی، دانشکده علوم قرآنی اصفهان، از اساتید نهاد رهبری در درس عمومی، آدرس ایمیل: sedighh32@gmail.com

^۳ کارشناسی ارشد علوم و قرآن حدیث مرکز پیام نور اهواز؛ فرهنگی (معلم)، آدرس ایمیل: azizarvand98@gmail.com

^۴ طلبه سطح سه گرایش مدرسی ادبیات عرب، موسسه آموزش عالی فاطمه الزهرا سلام الله علیها، اصفهان، آموزگار ابتدایی، آدرس ایمیل: طلبه سطح سه گرایش مدرسی

ادبیات عرب، موسسه آموزش عالی فاطمه الزهرا سلام الله علیها، اصفهان، آموزگار ابتدایی، آدرس ایمیل: ghaiedi.507@gmail.com

مقدمه

از بهترین امتیازات جامعه بشری هنر معلمی است. معلم با تعلیم و نشر علم، انسانها را به سوی کمال و پیشرفت سوق می دهد و عشق و ایمان را بر لوح جان و ضمیر پاک انسان ثبت می کند و ندای فطرت را در فضای عالم طنین انداز می کند. در حقیقت تمام ترقیات و کمالات انسان مدیون معلم است. اساسا تعلیم و تعلم از نعمتهای خداوند متعال است که اول برای انبیاء و اولیا و سپس به دیگران ارزانی داشته است. به این جهت، معلم بودن از ویژگی های انبیاست. بر طبق منطق تعلیم و تربیت اسلامی، معلم و استاد دارای مقامی بس ارجمند است و باید شاگرد نسبت به دستورات معلم شناخته شده و صالح، گوش شنوا داشته باشد و عالی ترین نوع احترامات را درباره او مبذول دارد. شاگرد در برابر استاد خود وظایفی بر عهده دارد. شناخت جایگاه و منزلت استاد یکی از مهمترین وظایف شاگرد است، از نظر معصومین علیه السلام معلم دارای مقام و منزلت و جایگاهی رفیع است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: «العلماء ورثة الأنبياء؛ علماء وارثان انبیاء هستند. طالب علم و شاگرد واقعی کسی است که ارزش علم و مقام عالم برای او معلوم باشد و بداند که باید عالم را به جهت علمش تعظیم و احترام کند و قدر و ارزش او را بداند چنان که امام کاظم علیه السلام می فرمایند: «عَظَّمِ الْعَالِمَ لِعِلْمِهِ؛ عالم را به جهت عملش تعظیم و احترام کن». احترام به استاد مقوله ای نیست که بتوان برای آن حدود مرز مشخصی بیان کرد؛ یعنی این که بگوییم فقط تا حد معینی باید به معلم احترام گذاشت نه بیش تر؛ چراکه این گونه مسائل با توجه به انعطافی که دارند، حد و حریم های متفاوتی می توان برای آنها ترسیم کرد. امام صادق علیه السلام می فرماید: تَوَاضَعُوا لِمَنْ طَلَبْتُمْ مِنْهُ الْعِلْمَ. (کافی: ج ۱، ص ۳۶) در پیشگاه کسی که از او دانش می آموزید، فروتن باشید. از لحن این کلام نورانی می توان در یافت که احترام به استاد مقطعی نیست، حدود بردار نیست، بلکه باید همیشه و در همه حال این رابطه (احترام و تواضع نسبت به استاد) وجود داشته باشد.

۱- مفهوم شناسی

الف) معنای لغوی و اصطلاحی احترام

۱- معنای لغوی

حرمت داشتن، بزرگ داشتن و بزرگداشت آمده است. (دهخدا، ۱۳۲۵ ش، ج ۳، ص ۱۰۵۵)

۲- معنای اصطلاحی

الف) معنای عرفی

به معنای تعظیم، گرامی داشت و بزرگداشت، بی‌ارتباط با معنای لغوی آن نیست؛ زیرا شخص، شیء، مکان یا زمان محترم، دارای حرمت و حریمی است که حفظ آن لازم و هتک آن نارواست.

ب) احترام در آموزه های قرآن

۱) به معنای حرام

محترم شمردن ماه های خاص «الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ...» (بقره / ۱۹۴)، ماه حرام، در برابر ماه حرام! (اگر دشمنان، احترام آن را شکستند و در آن با شما جنگیدند شما نیز حق دارید مقابله به مثل کنید) و تمام حرامها، (قابل) قصاص است.

۲) به معنای تکریم

تکریم خدا: «اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ» (علق / ۳) بخوان که پروردگارت (از همه) بزرگوارتر است.

تکریم نسان: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء / ۷۰) ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم.

۳) به معنای تعظیم

تعظیم شعائر: «ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظِمِ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ» (حج / ۳۰ و ۳۲) (مناسک حج) این است! و هر کس برنامه‌های الهی را بزرگ دارد، نزد پروردگارش برای او بهتر است!

ج) معنای اصطلاحی نظام تربیتی

منظور از نظام تربیتی مجموعه ای از مفاهیم و اندیشه های سازمان یافته در باره تربیت است که از نوعی همبستگی درونی برخوردارند و به طور اساسی و پایه‌های بیانگر چگونگی تربیتند. این مفاهیم عبارتند از: مبانی، اهداف، اصول و روشها که به عناصر اساسی تعلیم و تربیت معروفند. (حاجی ده آبادی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۴۹)

۲- جایگاه معلم در اسلام

الف) اهمیت تعلیم و تربیت از دیدگاه قرآن

در آیه شریفه (كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ؛) (سوره بقره آیه / ۱۵۱) همان گونه که [تغییر قبله، کامل کردن نعمت است، این حقیقت هم کامل کردن نعمت است که] در میان شما رسولی از خودتان فرستادیم که همواره آیات ما را بر شما می خواند، و شما را [از هر نوع آلودگی ظاهری و باطنی] پاک و پاکیزه می کند، و کتاب و حکمت به شما می آموزد، و آنچه را نمی

دانستید به شما تعلیم می دهد. نیز اشاره شده است: «يُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ» (سوره بقره، آیه / ۱۵۱) و آنچه را نمی دانستید، به شما یاد دهد. هدف از بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را گسترش علم و حکمت، و پرورش نفوس بر می شمرد، در این فراز قرآنی نه تنها به تعلیم کتاب و حکمت اشاره شده، بلکه به تعلیم آن اموری که بدون نزول وحی امکان دسترسی به آن نبوده است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱۰، ص ۲۴۶)

ب) جایگاه و منزلت معلم در قرآن

معلمی در قرآن به عنوان جلوه ای از قدرت لایزال الهی، نخست ویژه ذات مقدس خداوند تبارک و تعالی دانسته شده است و در نخستین آیات قرآن که بر قلب پیامبر (ص) نازل شد به این هنر خداوند اشاره شده است. اَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ﴿۱﴾ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ﴿۲﴾ اَقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ﴿۳﴾ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ﴿۴﴾ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ ﴿۵﴾ (سوره علق / آیات ۱-۵). بخوان به نام پروردگارت که آفرید (۱) انسان را از علق آفرید (۲) بخوان و پروردگار تو کریمترین [کریمان] است (۳) همان کس که به وسیله قلم آموخت (۴) آنچه را که انسان نمی دانست [بتدریج به او] آموخت (۵) خداوند بعد از آفرینش انسان که هیچ نمی دانست، به وسیله قلم آموزش داد که این از اوج خلاقیت و هنر شگفت خداوند در امر آفرینش حکایت دارد. از این رو می توان گفت که هنر شگفت معلمی از آن خداوند عالم است.

ج) جایگاه و منزلت معلم در روایات

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله): «مُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ عِبَادَةٌ؛ هم نشینی با دانشمندان، عبادت است. (بحارالانوار، ۲۰۴/۱)

امام موسی بن جعفر (علیه السلام) می فرمایند: «الْأَنْظَرُ إِلَى وَجْهِ الْعَالِمِ حُبًّا لَهُ عِبَادَةٌ؛ نگاه به صورت عالم از روی محبت، عبادت است. (وسائل، ۴۵۸/۱۸)

پدر و معلم از جمله کسانی هستند که نقش مهم و اساسی در شکل گیری شخصیت هر فردی دارند. به همین جهت آموزه های دینی ما جایگاه ویژه ای برای آنها تعریف کرده است.

امام علی (ع) می فرمایند: قُمْ عَنْ مَجْلِسِكِ لِأَبِيكَ وَ مَعْلَمِكَ وَ إِنْ كُنْتَ أَمِيرًا؛ به احترام پدر و معلمت از جای برخیز هر چند فرمان روا باشی. (غرر الحکم و درر الکلم، ح ۲۳۴۱، ص ۴۳۵)

امام صادق علیه السلام می فرمایند

مَنْ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ وَ عَمِلَ بِهِ وَ عَلَّمَ لِلَّهِ دُعَى فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ عَظِيمًا فَقِيلَ: تَعَلَّمَ لِلَّهِ وَ عَمِلَ لِلَّهِ وَ عَلَّمَ لِلَّهِ؛ هر کس برای خدا دانش بیاموزد و به آن عمل کند و به دیگران آموزش دهد، در ملکوت آسمان ها به بزرگی یاد شود و

گویند: برای خدا آموخت و برای خدا عمل کرد و برای خدا آموزش داد. (الذریعه الی حافظ الشریعه (شرح اصول کافی، ج ۱، ص ۵۶)

رسولُ اللهِ صلی الله علیه و آله می فرماید

أَكثَرُ النَّاسِ قِيَمَةً أَكْثَرُهُمْ عِلْمًا، وَ أَقَلُّ النَّاسِ قِيَمَةً أَقَلُّهُمْ عِلْمًا؛ با ارزشترین مردم کسانی هستند که از دانش بیشتری برخوردارند و کم ارزشترین مردم کسانی هستند که از دانش کمتری بهره مندند. (بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۲۲)

امام باقر علیه السلام می فرماید

إِنَّ الَّذِي يُعَلِّمُ الْعِلْمَ مِنْكُمْ لَهُ أَجْرٌ مِثْلُ أَجْرِ الْمُتَعَلِّمِ وَ لَهُ الْفَضْلُ عَلَيْهِ فَتَعَلَّمُوا الْعِلْمَ مِنْ حَمَلَةِ الْعِلْمِ وَ عِلْمُوهُ إِخْوَانُكُمْ كَمَا عِلْمُكُمْوهُ الْعُلَمَاءُ؛ همانا آن کسی از شما که دانش را آموزش دهد، پاداشی برابر دانش آموز دارد و البته آموزگار بر دانش آموز فضیلت و برتری دارد. پس دانش را از حاملان آن فراگیرید و آن سان که عالمان به شما آموخته اند، آن را به برادرانتان بیاموزید(اصول کافی، ج ۱، ص ۳۵)

۳- وظیفه شاگرد در احترام به معلم از منظر قرآن و روایات

الف) وظیفه شاگرد در احترام به معلم از منظر قرآن

قرآن کریم در سوره مبارکه کهف و در بیان داستان حضرت موسی (ع) و حضرت خضر(ع) با ظرافت خاصی رابطه استاد و شاگرد را در قالب بیان داستان دو پیامبر الهی و نحوه احترام شاگرد به استاد و معلم را بیان داشته است. فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَ عَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا؛ چون بدان جا رسیدند، بنده ای از بندگان ما (خضر) را یافتند که از جانب خود رحمتی به او عطا کرده و از نزد خود دانشی به او آموخته بودیم. (۶۵) قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَى أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْدًا؛ موسی به او گفت: آیا اجازه می دهی به دنبال تو بیایم، با این قرار که بخشی از آنچه را که به تو آموخته اند به من بیاموزی تا به وسیله آن به راه درست رهنمون شوم؟ قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا؛ آن عالم (خضر) گفت: تو هرگز نمی توانی به همراه من باشی و بر روش آموزش من شکیبایی کنی. (۶۷) وَ كَيْفَ تَصْبِرُ عَلَى مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا؛ و چگونه بر چیزی که دانشت بدان احاطه ندارد شکیبایی می کنی؟ (۶۸) قَالَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَ لَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا؛ موسی گفت: اگر خدا بخواهد مرا شکیبایا خواهی یافت و در هیچ کاری تو را نافرمانی نخواهم کرد. (۶۹)

ب) وظیفه شاگرد در احترام به معلم از منظر روایات

الإمامُ زینُ العابدینَ علیه السلام : حَقُّ سَائِسِكَ بِالْعِلْمِ : التَّعْظِيمُ لَهُ ، وَ التَّوْقِيرُ لِمَجْلِسِهِ ، وَ حُسْنُ الاسْتِمَاعِ إِلَيْهِ ، وَ الإِقْبَالُ عَلَيْهِ ، وَ أَنْ لَا تَرْفَعَ عَلَيْهِ صَوْتَكَ ، وَ أَنْ لَا تُجِيبَ أَحَدًا يَسْأَلُهُ عَنْ شَيْءٍ حَتَّى يَكُونَ هُوَ الَّذِي يُجِيبُ ، وَ لَا تُحَدِّثَ فِي مَجْلِسِهِ أَحَدًا ، وَ لَا تَغْتَابَ عِنْدَهُ أَحَدًا ، وَ أَنْ تَدْفَعَ عَنْهُ إِذَا ذُكِرَ عِنْدَكَ بِسُوءٍ ، وَ أَنْ تَسْتَرَّ عَيْوَبَهُ ، وَ تُظْهِرَ مَنَاقِبَهُ ، وَ لَا تُجَالِسَ لَهُ عَدُوًّا ، وَ لَا تُعَادِيَ لَهُ وَلِيًّا ، فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ شَهِدَ لَكَ مَلَائِكَةُ اللَّهِ بِأَنَّكَ قَصَدْتَهُ وَ تَعَلَّمْتَ عِلْمَهُ لِلَّهِ جَلَّ اسْمُهُ لَا لِلنَّاسِ؛ امام زین العابدین علیه السلام : حق استاد تو این است که به او احترام گذاری، محضرش را موقر داری، با دقت به سخنانش گوش بسپاری، رویت به او باشد و به او توجه نمایی، صدایت را بر صدای او بلندتر نکنی، هرگاه کسی از او سؤالی کند تو جواب ندهی، بلکه بگذاری خودش جواب دهد. در محضر او با کسی سخن نگوئی، در حضور او از کسی غیبت نکنی، اگر پیش تو از او بدگویی شود، از وی دفاع کنی. عیبهایش را پپوشانی، خوبیها و صفات نیکش را آشکار سازی، با دشمن او همنشینی نکنی و با دوستش دشمنی نورزی. هر گاه این کارها را کردی فرشتگان خدا درباره ات گواهی دهند که تو برای رضای خدای بلند نام، نه برای مردم، نزد آن استاد رفته ای و دانش او را فرا گرفته ای. (الخصال ، ۵۶۷/۱)

۱- ادای حق استاد

استاد را به مثابه پدر خود بداند و مانند پدر خویش در ادای حق معلم کوشش نماید. متعلم باید بر این اساس بیندیشد که استاد او، پدر واقعی و روحانی وی ، (و خود او به منزله فرزند روحانی او است). پدر (و فرزند) روحانی از پدر (و فرزند) جسمانی ، با ارزش تر و ارجمندتراند. بنابراین باید سالک در اداء حق ابوت و وفاء به حقوق تربیت استاد - علاوه بر رعایت ادب در حق او به شدت ، ساعی و کوشا باشد. و بیش از دیگران به او احترام گذارد. (شهید ثانی، ۱۳۵۶، ص ۳۵۹-۳۱۶)

۲- تکریم استاد

شاگرد باید با دیده تکریم و احترام به استاد خویش بنگرد، و از عیوب او چشم پوشی کند. (یعنی با دل و زبانش از او خرده گیری نکند) ؛ زیرا اگر شاگرد با چنین دیدگاهی احترام آمیز به استاد خود بنگرد می تواند به بهره گیری از استاد و نفوذ و ثبات بیان و گفتار او در ذهنش کمک نماید. یکی از علماء سلف - آنگاه که روانه جلسه درس و محضر استاد می شد - مقداری صدقه به فقیر می داد و می گفت : خدایا عیب معلم و استادم را از نظرم مخفی نگاهدار و برکات علم و دانش او را از من برنگیرد. (همان)

۳) تواضع و فروتنی در برابر استاد

شاگرد در مقابل استاد نهایت تواضع و فروتنی را داشته باشد و هرگز در مقابل او صدا بلند نکند. شاگرد باید - بیشتر از آن مقداری که مامور به تواضع و فروتنی نسبت به علماء و دانشمندان ، و دیگر آحاد مردم است - در برابر استاد خود، متواضع و فروتن باشد. او باید در برابر مقام علم و دانش نیز اظهار خاکساری کند تا در سایه این فروتنی و خاکساری ، به علم و معرفت دست یابد. باید او بداند که اظهار ذلت و خاکساری در برابر استاد، نوعی عزت و سرفرازی است . خضوع شاگرد در برابر استاد، افتخاری است برای او، و تواضعش موجب رفعت و بلندپایگی او می گردد. (شهید ثانی، ۱۳۵۶، ص ۳۵۹-۳۱۶)

۴- آمادگی روحی و ذهنی در کلاس

شاگرد برای آنکه بتواند هر چه بهتر و بیشتر از محضر استاد خود بهره مند شود، در کلاس درس باید آمادگی روحی و ذهنی داشته باشد و از چرت زدن و افکار پراکنده و ... به شدت پرهیز کند. (همان)

۵- تحمل جور و تندروی های استاد

شاگرد باید مراقب حرکات و حالات خود در مقابل استاد باشد؛ در برابر جور و جفای استاد و تندروی های اخلاقی او، خویشتن داری و شکیبائی خود را حفظ کند. این حالت روانی و اخلاقی استاد نباید مانع ملازمت و همبستگی شاگرد با او گردد و شاگرد، حسن نیت خود را نسبت به استاد از دست دهد، و نباید در او این عقیده به وجود آید که استاد او فاقد کمالات علمی و اخلاقی است. شاگرد باید اعمال و رفتار به ظاهر ناپسند استاد را با بهترین و دلپسندترین و درست ترین وضع ، توجیه و تاءویل کرده و آنرا به عنوان رفتاری مقرون به صواب تلقی نماید. فقط افراد کم توفیق قادر نیستند گفتار و رفتار استاد را درست و به نحو احسن ، توجیه و تاءویل نمایند. افراد موفق ، همواره کار بزرگان علم و دین را - به خاطر آگاهی های عمیقشان - توجیه می کنند و به عمق اعمال و صحت رفتارشان آگاهند. اگر شاگرد - از لحاظ اخلاقی - خشم و تندروی از استاد مشاهده نمود باید خود، عذرخواهی را آغاز کند، و از او پوزش بطلبد، و نسبت به آنچه موجب چنین پیش آمدی گشت ، توبه و استغفار نماید، و تقصیر

را به خود نسبت دهد، و خویشتن را در این زمینه سزاوار ملامت و سرزنش بداند؛ زیرا اگر سالک با چنین گذشتی، تندروی های اخلاقی استاد را پاسخ گوید می تواند بیش از پیش، مهر و مودت استاد را درباره خویش پایدار نگاه داشته و قلب او را بهتر تسخیر نماید. نتیجه چنین عکس العمل خوش آیند شاگرد، این است که منافع بیشتری را - در امر دین و دنیا و آخرت - به سوی خویشتن جلب می نماید. (همان)

۶- پیش دستی نکردن در پاسخ به پرسش ها

عدم پیش دستی شاگرد نسبت به پاسخ پرسش ها در محضر استاد؛ یعنی هنگامی که دیگران از استاد مطلبی می پرسند، نباید شاگرد بدون این که استاد از او بخواهد، به آن سؤال پاسخ دهد؛ بلکه اجازه دهد که خود استاد پاسخ آن سؤال را مطرح کند. (شهید ثانی، ۱۳۵۶، ص ۳۵۹-۳۱۶)

۷- تمرکز داشتن

تمرکز حواس در کلاس درس و دقت در گوش دادن به سخنان استاد؛ استاد را باید به عنوان پزشک معالج جان و روان برشمرد. شاگرد باید با این اعتقاد به خویشتن بنگرد که او فردی مبتلا به بیماری نفسانی است؛ زیرا مرض و بیماری عبارت از انحراف جسم از مجرای طبیعی است و نیز باید معتقد باشد که استاد، پزشک درمان بخش بیماری او است؛ زیرا او سعی می کند روح و روان شاگرد را به مجرای طبیعی آن بازگرداند. به همین جهت به هیچ وجه، شایسته نیست که از فرمان و اشاره او سرپیچی کند. مثلاً اگر به شاگرد گفت: فلان کتاب را بخوان، و درس و اعمال خود را به فلان مقدار محدود ساز و بدان قناعت کن. اگر شاگرد از این فرمان استاد سر باز زند، به منزله بیماری است که با پزشک معالج خود در طرز درمان خویش به جدال و مخالفت برمی خیزد و او را تخطئه می کند؛ بدیهی است که چنین بیماری هرگز درمان نخواهد شد. (شهید ثانی، ۱۳۵۶، ص ۳۵۹-۳۱۶)

۸- خضوع و ادب هنگام نشستن

هنگام نشستن در کلاس باید روبه روی استاد، خاضعانه، با ادب و نزاکت بنشیند. نباید در حضور استاد به دیوار و پشتی نیمکت تکیه دهد (در حالت لمیده قرار گیرد)؛ به گونه ای بنشیند که پشت و پهلو او طرف استاد قرار نگیرد؛ به گونه ای بنشیند که دست خود را پشت سر یا کنار سر خود به صورت متکا قرار دهد. نباید در حضور استاد به چپ و راست و بالا و پایین نگاه کند؛ بلکه به سخنان استاد توجه داشته باشد. در محضر استاد نباید با دیگران گفت و گو و شوخی نماید. از نظر دور و نزدیک بودن نیز مناسب باشد؛ نه آن چنان دور بنشیند که نشان دهنده عدم

تمایل شاگرد به سخنان استاد باشد و نه آن‌چنان نزدیک که موجب سلب راحتی استاد گردد. (همان)

۹- محترمانه سخن گفتن با استاد

خطاب به استاد محترمانه باشد. او را از راه دور صدا نزند. از خطاب‌های غیر محترمانه مانند «تو گفتی» اجتناب کند و از کلمات احترام‌آمیز مانند استاد و آقا استفاده کند. در غیاب استاد نیز از او به احترام یاد کند. لزوم ترجیح رایی و نظریه استاد بر رایی و نظریه خود، شاگرد نباید رایی و نظریه استاد را مردود ساخته و با او با چهره و رفتار و گفتاری آمرانه مواجه گردد. او نباید بر خلاف نظریه استاد، اشاره کند. باید چنین بیندیشد که استاد او حق و صواب را بهتر از او می‌شناسد. بلکه او باید در تمام امور زندگی، مطیع و منقاد استاد بوده و زمام تمام شئون حیاتی خود را کاملاً در اختیار او قرار دهد، و در برابر اندرز و نصیحت او مطیع بوده و در هر حال، جویای رضا و خوشنودی او باشد. اگرچه رایی و نظر او با رایی و نظر استاد، در این زمینه‌ها تفاوت داشته و روش استاد، دلخواه او نباشد. با رایی و نظر استاد به مسابقه نپردازد، و پیش از رایی او نظریه‌ای را انتخاب نکند، و با او در تمام شئون زندگی خویش مشورت نموده و به دستور او گردن نهد. قلبا و لسانا از نظریه و تدبیر استاد پا فراتر نگذارد. در داستان موسی و خضر (علیهما السلام) نکته بیدارگری در این زمینه دیده می‌شود، (به این معنی که موسی (علیه السلام) رفتار خضر (علیه السلام) را اشتباه‌آمیز می‌پنداشت؛ در حالی که رفتار به ظاهر لغزنده و اشتباه‌آمیز خضر (علیه السلام)، هماهنگ با واقعیت غیرقابل‌گریز، و صد در صد مطابق با حق بوده است؛ چون موسی (علیه السلام) فکر می‌کرد که خضر (علیه السلام) اشتباه می‌کند، و تصور می‌نمود که رایی و نظر خود او بر حق است). (شهید ثانی، ۱۳۵۶، ص ۳۱۶-۳۵۹).

۱۰- سپاس‌گزاری از استاد

شاگرد باید نسبت به تلاش‌های استاد در تدریس و یاددهی سپاس‌گزار باشد. تشکر و سپاس‌گزاری شاگرد نسبت به استاد، موجب دل‌گرمی استاد شده او را در انجام وظایف خود مصمم‌تر می‌کند. و نشانه‌ای بر رضایت شاگرد از محضر استاد تلقی می‌گردد. (همان)

۱۱- حضور در کلاس پیش از استاد

شاگرد باید پیش از استاد در جلسه درس حضور یافته و منتظر شرف‌یابی استاد باشد. شاگرد باید بکوشد - پیش

از حضور استاد - در جلسه حاضر گردد، و خود را به چنین پیشتازی ها و مبادرت ها از لحاظ حضور در جلسه، تمرین و عادت دهد، و خویشتن را وادار سازد که همواره پیش از استاد در جلسه حضور یابد. اگر شاگرد سعی کند که در کنار خانه استاد به انتظار بنشیند تا او از خانه خویش بیرون آید و همراه او در جلسه حضور بهم رساند - در صورتی که چنین کاری با سهولت ، امکان پذیر باشد - کاری بجا و شایسته تر است . شاگرد باید بکوشد که حضور او در جلسه به تاءخیر نیفتد تا در نتیجه ناگزیر شود که پس از حضور استاد، در جلسه حاضر گردد و استاد را در انتظار خود رها کند؛ زیرا اگر - بدون ضرورت قطعی و عذر موجه - استاد را در انتظار آمدن خود قرار دهد و در حاضر شدن، سهل انگاری کند، نشانه ای بر بی احترامی و بی ادبی نسبت به استاد تلقی می گردد. (شهید ثانی، ۱۳۵۶، ص ۳۵۹-۳۱۶)

۱۲- بلند نکردن صدا

صدای خود را در محضر استاد بیش از اندازه بلند نکند. زیاده از حد و بدون نیاز سخن نگوید. سخن خارج از نزاکت مطرح نکند و دیگران را در محضر استاد نخنداند. از غیبت دیگران در محضر استاد اجتناب نماید. (شهید ثانی، ۱۳۵۶، ص ۳۵۹-۳۱۶)

۱۳- طرح نکردن نظرات استادان دیگر

هنگام بحث علمی با استاد نظرات اساتید دیگر را در محضر او مطرح نکند و مرتباً نگوید فلان شخص چنین گفت، فلان استاد چنان گفت. (همان)

۱۴- با لطافت سؤال کردن

طرح سؤال از استاد با لطافت و احترام باشد، نگوید «من حرف شما را قبول ندارم»، «مطلب آن طور که شما گفتید نیست». از این گونه تعبیرات اجتناب کند. (همان)

وظایف شاگرد در قبال استادش بیش تر از این موارد است و دانش آموز باید با تمام قوا حرمت و احترام او را - چه در کلاس درس و چه در خارج از کلاس - نگهدارد.

نتیجه گیری

شغل معلمی دارای ارزش زیادی است، معلم در اسلام از جایگاه والایی برخوردار است تا جایی که وارث و جانشین پیامبر ان الهی معرفی شده ، معلمی شغل انبیاء دانسته شده است. معلم خوب، می تواند شاگردش را در مسیر درست هدایت کند و او را در رسیدن به کمالات یاری نماید. وظایف یک شاگرد در احترام به استاد و معلم خود

چنان که در بیان نورانی امام سجاد (ع) آمده چنین است: حق استاد تو این است که به او احترام گذاری، محضرش را موقر داری، با دقت به سخنانش گوش بسپاری، رویت به او باشد و به او توجه نمایی، صدایت را بر صدای او بلندتر نکنی، هرگاه کسی از او سؤال کند تو جواب ندهی، بلکه بگذاری خودش جواب دهد. در محضر او با کسی سخن نگویی، در حضور او از کسی غیبت نکنی، اگر پیش تو از او بدگویی شود، از وی دفاع کنی. عیبهایش را بپوشانی، خوبیها و صفات نیکش را آشکار سازی، با دشمن او همنشینی نکنی و با دوستش دشمنی نوری. هرگاه این کارها را کردی فرشتگان خدا درباره ات گواهی دهند که تو برای رضای خدای بلند نام، نه برای مردم، نزد آن استاد رفته ای و دانش او را فرا گرفته ای.

منابع و مأخذ

قران کریم

- ۱- ابن بابویه، محمد بن علی، **الخصال**، قم، انتشارات جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۳۶۲ ش.
- ۲- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، **غرر الحکم و درر الکلم**، قم، موسسه فرهنگس دار الحدیث، چاپ هشتم، ۱۳۹۵ ش.
- ۳- حاجی ده آبادی، محمدعلی، **در آمدی بر نظام تربیتی اسلام**، قم: دفتر تحقیقات و تدوین متون درسی مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.
- ۴- حر عاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعه**، تهران، انتشارات کتابچی، ۱۳۸۶ ش.
- ۵- دهخدا، علی اکبر، **لغت نامه دهخدا**، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۲۵ ش.
- ۶- شهید ثانی، **آداب تعلیم و تربیت در اسلام**، ترجمه سیدمحمدباقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۶ ش.
- ۷- کلینی، محمدبن یعقوب، محقق، درایتی، محمد حسین، **الذریعه الی حافظ الشریعه (شرح اصول کافی)**، قم، موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، چاپ اول، ۱۳۸۸ ش.
- ۸- مکارم شیرازی، ناصر، **پیام قرآن**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۸۶ ش.
- ۹- مجلسی، محمد باقر، **بحار الانوار**، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۶ ش.